



در زمینه‌های امنیتی اشکالات اساسی داریم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در جلسه روز گذشته هیئت دولت گفت: «اصلی‌ترین نقش را در این مدت مردم داشتند و لذا باید از نقش‌آفرینی جدی و موثر مردم و تشکل‌های مردم‌نهاد و همه بخش‌های خصوصی و مردمی دیگر قدردانی کرد. مدیران و مسئولان همه بخش‌ها مکلف هستند که همه سعی و تلاش خود را برای حل مشکلات مردم به کار بگیرند و آن را مهمترین وظیفه خود بدانند.» پزشکیان افزود: «باید بر خورد و رفتار ما با مردم کاملاً محترمانه باشد، باید مواجهه ما با کسانی که نسبت به ما موضع و نفع‌هایی داشته و یا دارند و یا آنهایی که تصور می‌کردیم دشمن ما بودند، در حالی که ما را نقد می‌کردند و یا اساساً ما را قبول نداشتند، اما در زمان جنگ تحمیلی پای ایران ایستادند، اصلاح شود.» او با تأکید بر ضرورت اصلاح برخی اشتباهات گذشته، تصریح کرد: «باید برای حفظ وفای و همدلی که بین مردم و دولت ایجاد شده است، در رفتارهایمان تغییر ایجاد کنیم و همه مسئولان، مدیران و سیاسیون کاری کنند که این وفای و همدلی تقویت شود و تداوم یابد.» رئیس‌جمهور همچنین از مدیران و وزرا خواست که گزارشی از اقدامات و دستاوردهای خود در این مدت به رسانه‌ها به خصوص صداوسیما ارائه دهند و یادآور شد: «باید به شکل مناسب درباره اقدامات دولت در دوره جنگ که باعث شد زندگی به صورت عادی در جامعه جریان یابد، به مردم توضیح داده شود.» پزشکیان ضمن تشکر از تلاش‌ها و زحمات نهادهای امنیتی در طول جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، اظهار کرد: «در جنگ اخیر معلوم شد که در زمینه‌های امنیتی اشکالات اساسی داشته‌ایم؛ باید آسیب‌شناسی لازم در این زمینه صورت بگیرد تا آسیب‌ها به کشورمان در این موارد به حداقل برسد.»

الزامات حفظ اتحاد ملی

روایت فعالان سیاسی از آنچه در جلسه با وزیر کشور گذشت

واعظی و حسین کنعانی‌مقدم» در این جلسه نکته‌هایی را بیان کرده‌اند. طبیعتاً، مهم‌ترین موضوع سیاسی روز کشور پیرامون همین بحث جنگ و همبستگی مردم مورد بررسی قرار گرفت. البته در همین جلسه، باز هم برخی در اظهارنظرهای خود مسائلی را مطرح کرده‌اند که براساس همان رویه‌های سابق و مبتنی بر حمله به رقیب سیاسی خود بوده است. در این ارتباط، از سه نفر از افرادی که در جلسه حضور داشتند و نام آنها در لیست سخنران‌ها آمده بود، سوالاتی را مطرح کردیم. عباس عبدی (روزنامه‌نگار و تحلیل‌گر سیاسی اصلاح‌طلب)، عمادالدین باقی (پژوهشگر و نویسنده) و حسین کنعانی‌مقدم (فعال سیاسی اصول‌گرا و دبیرکل حزب سبز ایران)، افرادی بودند که به سوالات طرح‌شده توسط هم‌میهن درباره آن جلسه پاسخ دادند.

صورت مجزا برگزار شد که در یک جلسه احزاب و شخصیت‌های اصول‌گرا و در جلسه دیگر احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب حضور داشتند. سومین جلسه‌ای که وزارت کشور برگزار کرد، فروردین سال جاری بود که در آن جلسه هر دو جریان و چهره‌ها با حضور وزیر کشور جلسه گذاشتند و آخرین جلسه هم چند روز پیش برگزار شد که در این جلسه برخی از سران احزاب و چهره‌های سیاسی حضور پیدا کردند.

چهارمین جلسه، از این جهت شاید مهم‌تر از سه جلسه قبل تلقی شود که پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل و در دوره آتش‌بس برگزار شد. براساس آنچه از گزارش‌ها و شنیده‌ها از این جلسه بیرون آمده است، افرادی مانند «سیدمحمدرضا خاتمی، غلامعلی حدادعادل، حسین کمالی، عباس عبدی، احمد زیدآبادی، عمادالدین باقی، رسول منتجب‌نیا، محمود



فرهاد فخرآبادی

خبرنگار گروه سیاست

وزارت کشور و اسکندر مومنی، چندی پیش میزبان فعالان سیاسی و حزبی از جریان‌های مختلف بودند. به صورت مشخص، در بحث کشوری و در ساختمان خیابان فاطمی، طی یازده ماه روی کار آمدن دولت چهاردهم و شروع فعالیت آن تاکنون ۴ بار احزاب و فعالان سیاسی دعوت شده تا جلسه مشترکی را با مقامات وزارت کشور برگزار کنند. دو جلسه اول در نیمه دوم سال گذشته با مدیریت زینی‌وند، معاون سیاسی وزیر کشور به



عکس: سایت دولت

ادامه سر مقاله

این یکی از اصول مهم در تحلیل‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است و در نظریه‌های عدالت، سیاست‌گذاری عمومی، مالیات، جنگ، بهره‌برداری از منابع طبیعی و مسئولیت اجتماعی مطرح می‌شود. این اصل برای جلوگیری از سواری مجانی است. افرادی که بهره می‌برند، ولی سهمی در هزینه نمی‌دهند یا هزینه می‌دهند و سهمی در امور ندارند، ناشی از وجود بی‌عدالتی است. در اینجا به چند نمونه از نقض فاحش این قاعده اشاره می‌شود: چند نمونه‌ای که اتفاقاً سهم مهمی در بروز وضعیت کنونی داشته‌اند. نمونه اول: قانون انتصاب به مشاغل حساس است. اینکه یک ملت در برابر دشمن و جنگ تحمیلی آن، عزم و اراده استوار نشان دهد و هزینه آن را به‌طور کامل همه مردم تحمل می‌کنند ولی هنگام گزینش و به‌طور مشخص انتصابات با موانعی روبه‌رو می‌شود که بعید است حتی ۵ درصد از این مردم هم بتوانند از این فیلترهای خودساخته عبور کنند؛ به‌طور قطع، نقض فاحش قاعده مذکور است. این قانون اکثریت قاطع مردم را از گردونه سیاست فاحش آن قاعده اخلاقی، منطقی و عادلانه است. نمونه دوم: وضعیت صداوسیماست. نگاهی به اخبار یا سوگیری‌های شدید و نیز تحلیل‌ها و تحلیلگران عجیب آن که افراد به نسبت ثابت آن هم معمولاً سخنان همراه‌کننده کم ندارند، واقعیت را نشان می‌دهد، و به دلیل عملکرد این رسانه مرجعیت رسانه‌ای را در داخل کشور بلاموضوع کرده است. واقعاً تلویزیون بسیار پرهزینه است که همه بار هزینه آن بر دوش ملت است ولی بهره‌مندان و سودبران آن افراد اندکی هستند. این نیز نقض فاحش این قاعده ملازمه سود بردن و هزینه دادن است. نمونه سوم: مجلس است که دیگر کار آن از تحلیل گذشته است. مجلسی که نمایندگان آن با آرای اندک و در تهران با ۲۳ درصد وارد شده‌اند و به‌جای مردم مصوبات پرهزینه و بدون سود را بیرون می‌دهند. مصوباتی چون حجاب، فرزندآوری، انتصاب مشاغل حساس، صیانت، مصوبه جلوگیری از احیای برجام در سال ۱۴۰۰ و... دارند و در همه این موارد هزینه‌ها بر دوش مردم و سود هم برای مجموعه‌هایی محدود است. اکنون اگر می‌خواهیم و باید این وحدت را حفظ کنیم؛ باید اراده‌ای جدی در جهت حرکت در این مسیر از ساختار سیاسی نشان داده شود و این تنها راه برای تداوم و حتی تقویت و گسترش این اتحاد ایجاد شده است. اجرای مصوبه مشاغل حساس را متوقف کنید؛ چرا که فساد و ناکارآمدی زیادی در آن است. رویکرد حاکم بر صداوسیما را هم رسانه‌ای و حقیقت‌محور کنید. مجلس هم راه دارد. اگر این دومورد انجام شود؛ امید به توافقی برای مورد سوم هم هست.

اخیراً وزیر کشور جلسه‌ای را با حضور فعالان سیاسی و حزبی برگزار کرد که شما هم در آن جلسه حضور داشتید، موارد مطرح‌شده توسط شما در این جلسه چه نکته‌هایی بود؟

عباس عبدی: خلاصه حرف من این بود



که اغلب اتفاق نظر دارند که پدیده اصلی در جنگ اخیر، مردم ایران بودند؛ بنابراین باید قدر دانست و به مردم بازگشت. آن چه من اضافه کردم این بود که به مردم بازگشتن به چه مناسبت و نمی‌توان حرف کلی زد. حتی مثال زدم که در همین جمع که در اینجا هستند، نماینده تعداد قابل توجهی از جامعه نیستند. یعنی نمی‌توانند بیش از ۲۰ درصد از جامعه را نمایندگی کنند، بنابراین باید از همه جا و در همه جا حضور مردم و خواست و اراده آنها بازتاب پیدا کند. این به تعبیری، مهم‌ترین مسئله‌ای بود که درباره آن توضیح دادم. همچنین گفتیم اگر وضعیتی که الان داریم را مطلوب می‌دانیم پس سیاست‌هایی که در گذشته وجود داشته را ادامه دهید، و مسئله خاصی باقی نمی‌ماند. اما اگر وضعیت امروز نامطلوب است، به طور قطع و یقین بدانیم که این وضع محصول سیاست‌های گذشته است و تا آن سیاست‌ها تغییر پیدا نکنند، هیچ اتفاقی رخ نخواهد داد. آن سیاست‌ها هم تغییرات فنی و تکنیکال نیست که اگر آنها بهبود پیدا کنند مشکلات نیز رفع خواهد شد، سیاست‌ها را باید به صورت راهبردی و کلان اصلاح کرد. چون مشکل سیاست‌های گذشته، امور جزئی و فنی نیست؛ مشکلیش، خود آن سیاست‌ها هستند که باید تغییر کنند. در ادامه گفتیم؛ آقای وزیر کشور به درستی معتقد است که با تعیین استاندارهای مناسب با معیارهایی که تاکنون با آن مخالفت می‌شده است، برای سه استان سیستان و بلوچستان، خوزستان و کردستان؛ توانسته است امنیت این استان‌ها را ارتقا دهد. من گفتم این استدلال درست است اما چرا این مسئله به جاهای دیگر و سایر حوزه‌ها تعمیم داده نشود؟ برای نمونه گفتم که همین جمع، بیش از ۲۰ درصد مردم ایران را

عمادالدین باقی:

محور مشترک بحث‌ها حضور مردم در خنثی کردن توطئه عمیق نظامی آمریکا و انگلیس بود و همه تأکید داشتند که باید این همدلی به انسجام ملی حفظ شود. البته آقای رضا خاتمی گفت باید به این سوال پاسخ داده شود که نیروهای امنیتی کجا بودند که دشمن توانست چنین ضربه سنگینی وارد کند و این همه دانشمندان و فرماندهان نظامی را در تهران در خانه یا در جلسه‌شان ترور کند



نمی‌توانند نمایندگی کنند، بنابراین، در این مسیر بروند که بخش بیشتری از جامعه و مردم ببینند، آن موقع اصلاحی جرأت نمی‌کند به ایران حمله کند. **عمادالدین باقی:** در جلسه برگزار شده، نکته‌هایی که اشاره کردم که از روی متنی که در جلسه خواندم، بدین شرح است: اولیسن نکته که لازم می‌دانم تذکر بدهم این است که همه به خاطر داشته باشید که فقط یک باریکه مواصله داشتیم تا اینکه امروز در این سالن به جای شما، دشمنان شما نشسته باشند و افرادی که اینجا هستند کشته یا فراری یا آواره باشند. همه حواس‌مان باشد که از چه خطری عبور کرده‌ایم. به لطف مردم این اتفاق نیفتاد و تجاوز دشمن شکست خورد. ما از مدت‌ها قبل پیش‌بینی می‌کردیم که آنها روی نارضایتی مردم حساب کرده‌اند. برخی نشریات خارجی را که رصد می‌کردم از جمله مقاله‌ای در یک نشریه اسرائیلی و مقاله‌ای در یک نشریه انگلیسی‌زبان نشان می‌داد که آنچه که باعث شد ایران تهدید شود به بمباران یا مذاکره، طمع بود که به نارضایتی‌ها بسته بودند. تصور می‌کنند در ایران مردم جان‌به‌لب شده‌اند و منتظر یک مشت آهنین هستند و آنها می‌توانند ضربه را وارد کنند تا مردم قادر باشند به خیابان‌ها بریزند و حکومت را عوض کنند. لذا اوایل فروردین و در ايام تعطیلات عید بیابیه‌ای با امضای ۵۳۶ نفر را تهیه کردیم. بُب بیابیه این بود که ما به‌عنوان منتقدان و ناراضیان از وضع موجود اگر کشورمان مورد تعرض قرار گیرد اختلافات‌مان را با حکومت به تعلیق در می‌آوریم و در برابر متجاوز، متعهد می‌شویم. تعمد داشتیم که امضاکندگان هر چه بیشتر غیردولتی و متعلق به جامعه مدنی و یا جزو منتقدان باشند تا پیام ما بهتر شنیده شود؛ به همین دلیل نزدیک به یک‌سوم آنها از زندان کشیده‌های

جمهوری اسلامی بودند. واکنش‌های منفی که بعضی افراد اپوزیسیون و رسانه‌های برون مرزی نشان دادند آشکار کرد که روی نقطه حساس و جای درستی دست گذاشته‌ایم. این بیابیه نیمه فروردین‌ماه منتشر شد و اتفاقات جنگ ۱۲ روزه نشان داد این خطی که شروع کرده بودیم جواب داده است. اما موضع ما در مورد گشایش فضای اجتماعی و سیاسی و آزادی زندانیان صرفاً از باب مصلحت نیست بلکه معتقدم از باب حقیقت و مصلحت این موضوع اهمیت پیدا می‌کند. از منظر حقیقت یعنی اینکه اینطور نیست اگر شرایط عادی بود وضعیت موجود ایرادی نداشت. اصلاً اگر شرایط عادی هم بود وضعیت بسته و یکسری کارهایی که انجام می‌شود حتی به سود صلاح خود حکومت هم نیست. این جنگ تمام نشده و جنگ ۱۲ روزه نبوده؛ از ۴۰ سال پیش تا امروز بوده و بعد از این هم خواهد بود و خطر همچنان هست و باید به یکسری مسائل جدی‌تر فکر کرد. هر عمل نادرست شما در تقویت جبهه دشمن موثر است ولی آنچه ما می‌بینیم تقویت دائمی جبهه دشمن است. مثلاً قبل از این اتفاقات برای دو زندانی زن به نام‌های وریشه مرادی و پخشانی عزیزی حکم اعدام داده شده، از منظر حقیقت یعنی مینا قرار گرفتن حقوق و قانون، احکام آنها محل مناقشه هستند. براساس همان مطالبی که در خود دادنامه هست واقعاً آنها مستحق حکم اعدام نیستند ولی فرض کنید اصلاً حکم هم درست است ولی وقتی که از نظر کارکردی نقض حکم آنها یک پیام مثبت به جامعه دادن است برای اجرای حکم آنها، درست برعکس دشمنی‌ها را وسعت می‌بخشد. در حالی که وقتی در چنین شرایطی همین زندانیان تجاوز دشمن را محکوم می‌کنند خودش یک میهن‌پرستی و توجیه منطقی برای انعطاف نشان دادن است. خاتم وریشه مرادی که خودش زیر حکم اعدام است با چند نفر دیگر از داخل زندان علیه تجاوز